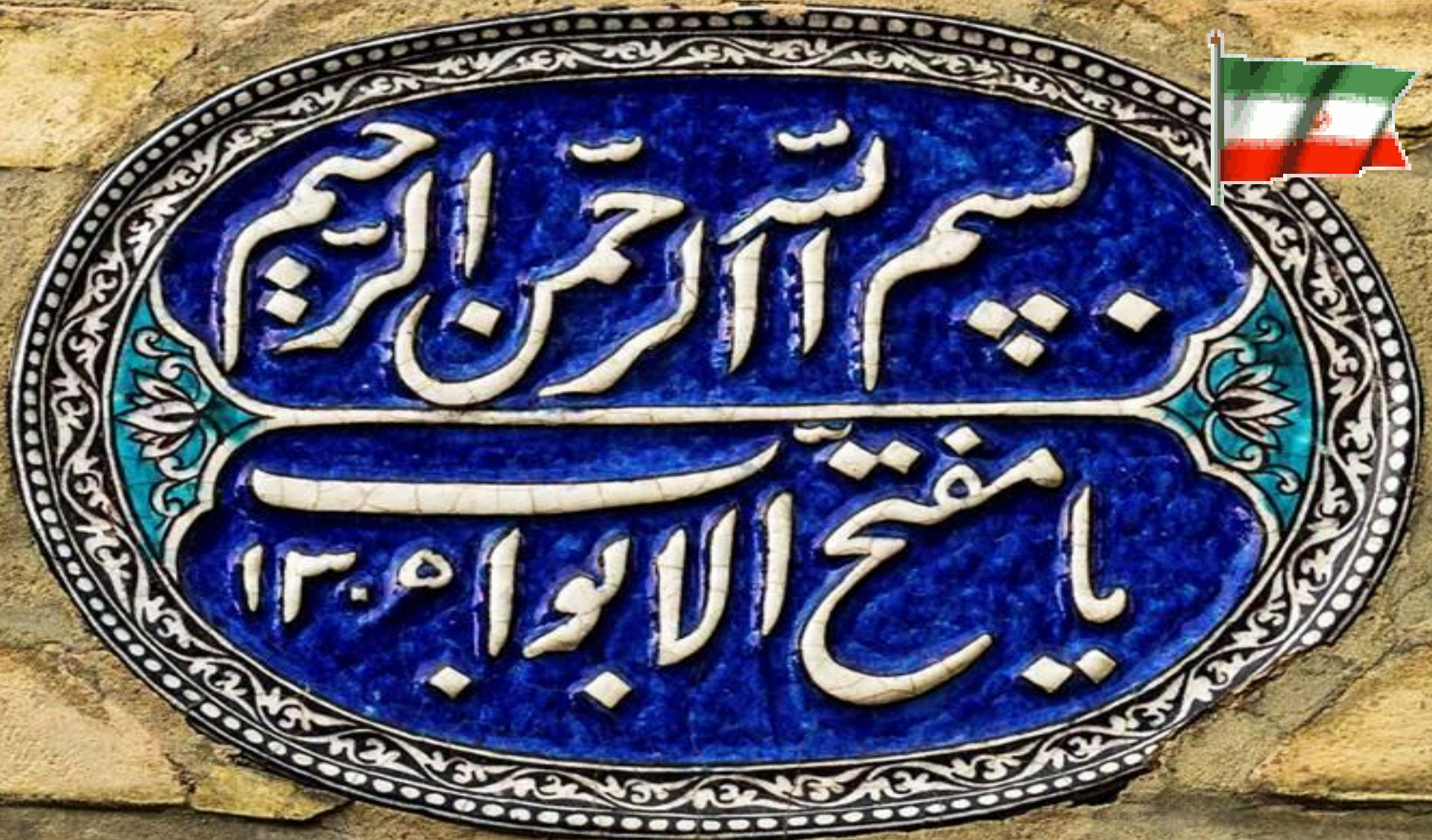




بسم الله الرحمن الرحيم

يا فتح الابواب

سلام

« والدین »



و « آزمون ازدواجِ فرزندان »

مقدمه:



قرار نیست طی این جلسه حداکثر دو ساعته،

«**تمام مسائل ازدواج**» بررسی

و راهکارهای رفع «**تمام مشکلات**» آن

مطرح شود.

ضمناً به دو « **شکل** » می‌توان از این جلسه بهره برد:

شکل اول: چند « **راهکارِ موردی** و تجربهٔ فردی »

و چند « پیشنهاد و نظراتِ متنوع و پراکنده » را مطرح کنیم.

شکل دوم: « **نگاهِ کلی** به **ازدواج** » پیدا کنیم

و « **ریشهٔ مشکلات** و **اصولِ** مورد غفلت » را بیابیم.

نکتہ اول:





« تنها فرمانِ » خدا در بهشت به آدم چه بود؟

وَقُلْنَا: يَا آدَمُ؛

اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ...

(بقره/۳۵)+(أعراف/۱۹)

چهار «پیام» این فرمان:

اول: هر «مردی»،

(با هر عنوان، مدرک، قدرت، ثروت و موقعیتی)،

«نیازمند آرامش» است.

دوم: « آرامش بخشی »،

در « ذاتِ هر دختری » هست و به:

مدرک، قیافه، اندامِ او و موقعیتِ خانوادهٔ او

هیچ ربطی ندارد.

سوم: پس « مؤنث و مذکر »،

« دو عنصر متضاد » با یکدیگر نیستند

و ازدواج،

راه مبارزه با « غفلت » و « خودخواهی »

و تنها « زمینه ساز تکامل » آنهاست.

زیرا:

« **نقص** » هر زن و شوهری،

محلّ « **ظهور فضائل** » دیگری

و نردبانِ « **رُشد و کمال** » آنهاست.



عَلَّتْ صدور «اولين فرمانِ» الهى؟

اینکه طبق آیه:

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ

لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (ذاریات/۴۹)

و طبق آیه: وَ كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (واقعہ/۷)

تمام مردم در آخرت، به سه گروه تقسیم می شوند:

١- فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

ما أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ؟ (٨)

٢- وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

ما أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ؟ (٩)

٢- وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (واقعه / ١٠)

پیامِ چهارم: پس «زوجیت»،

برای «انسان» (و تمام مخلوقات)

الزامی و «اجباری» است.

دلیلِ « **اجباری** بودنِ **زوجیت** » اینکـه:

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱) وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲) وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳)
وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴) وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۵) وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶)

وَإِذَا **النَّفُوسُ** **زُوجَتْ** (تکویر/۷)

نکته دوم:



انتظارِ « والدین » اینست که
دختران و پسرانشان با **ازدواج**،
به کامیابی و لذت و شور و نشاط دنیوی
و سلامت و سعادت اخروی برسند
اما « **چرا** » خیلی از آنها و خیلی زود گرفتار:
آه، ناله، اعتراض، شکایت، نفرت، قهر و درگیری شده
و « **آمارِ انواعِ طلاق** » روزافزون است؟

مهمترین عوامل

۱- « کاهش »

۲- و « تاخیر »

۳- و « ناپایداری » ازدواج‌ها، عبارتند از:

- ۱- فقدانِ « **خودشناسی** » در تمام مراکز و سطوح آموزشی.
- ۲- روشن نبودن « **چرایی ازدواج** ».
- ۳- آگاه نبودن والدین و جوانان از « **خصوصیات** » دختر و پسر.
- ۴- روشن نبودنِ فرقِ ازدواجِ « **اسلامی** » با ازدواج‌های رایج.
- ۵- روشن نبودن « **معنای زندگی و اصول و مقصدِ آن** ».
- ۶- روشن نبودن « **چگونگی** انجام **ازدواج** اسلامی ».
- ۷- « **دخالت** » عادات، رسوم، سختگیریهای « **والدین** ».

۱- فقدانِ خودشناسی:

انسان بدون « **خودشناسی** »:

قطعاً « **نیازهای** » خودش را **نمی** فهمد،

و « **مقصد** » زندگی را نخواهد **شناخت**،

و نمی تواند دچار « **خیال‌بافی** و **توهم** » نشود.

۲- ازدواج
چرا؟



متأسفانه برای غالب والدین روشن نیست که:

آیا « ازدواج »

برای « آدم کردنِ همسر » است؟

یا برای « انسان شدنِ خود »؟

برای داشتنِ **بهترین** **همسر** است؟

یا **بهبانهای** برای

بهترین **همسر** **داری** است؟



برای به **کمال** رساندن همسر؟

یا

برای به **کمال** رسیدن خود؟



برای « زیبا » دیده شدن خود؟

یا

برای دیدن « زیبایی » های همسر؟

آیا ازدواج

برای «**به** هم **رسیدن**» است؟



یا « ازدواج »

برای « **با** هم **رسیدن** » است؟



۲- ناآگاهی از
خصوصیات
دختر و پسر؟



غالبِ «والدین»

و شاید تمام «دختران و پسران»

نمی‌دانند که «حساسیت» جوانان

قبل و بعد از ازدواج، بر عکس می‌شود.

غالبِ «والدین» و «دختران و پسران»

به درستی نمی‌دانند

«ویژگی‌های» مثبت و یا منفی،

برای «انتخاب» هر «دختر و پسر» چیست؟

لذا⁴⁰ کمتر جوانی در زمان عقد از همسرش تعهد می‌گیرد.

۴- ناآگاهی از
ازدواجِ اسلامی؟



متأسفانه غالبِ والدین و جوانان،

نظرِ دقیقِ «**قرآن و اسلام**» را

دربارهٔ «**ازدواج**» و مسائلِ آن نمی‌دانند

و حتی «**رساله**» مرجعِ خود را نخوانده‌اند.

به خاطر همین **ایراد** مهم،

جایگاه « **تفکر** و **توکل** و **استخاره** »،

برایشان « **روشن** » نیست

لذا هر « **خرافه‌ای** » را می‌پذیرند.

۵- نا آگاهی غالب جوانان و والدین آنها

از: معنا و مقصد و اصول زندگی



سه پریش:

آیا « زندگی » در « دنیا »

بدون:

« مشکل، مانع، مسئله و سختی »

و « بدون دغدغه » امکان دارد؟

غالبِ «مردمِ» جهان در «دنیا»،

دنبالِ «چی» هستند؟

افرادِ «عاقل، مسلمان، مؤمن و منتظر»

«باید» دنبالِ «چی» باشند؟

پس⁴⁷ چرا والدین و جوانان مؤمن دنبالِ زندگی «رؤیائی» اند؟

۱- ناآگاهی از:
از دواج چگونه؟



علت اصلی

انتخاب‌های غلط چیست؟

اکثر جوانان و والدین آنها

با تلقین عوامل استکبار می‌پندارند:

« نگاه و ظاهرینی » و « معاشرت »،

« تنها راه شناخت و انتخاب همسر » است.

لذا غالبِ پیوندها،

با یک **نگاه** در میهمانی و کوچه و خیابان ... شروع

و با دو نگاه، جدی،

و با چند نگاه، رسمی،

و با کوچکترین بهانه، گسسته می شود.

می گویند: به چشمم نشست. چشمم را گرفت.
تا دیدمش یک دل نه صد دل عاشقش شدم،
وقتی دیدمش، احساس خاصی پیدا کردم.
و یا می گویند: چشمگیر نبود، چشمم را نگرفت،
از چشمم افتاد، به دلم نشست.

آیا با « معاشرت »

می‌توان دیگران را شناخت؟

آیا با « **معاشرت** » می‌توان:

افرادِ « **نفوذی** » و جاسوس را شناخت؟

آیا با معاشرتِ « **امروز** » افراد،

می‌توان مواضعِ « **فردای** » آنها را فهمید؟

اگر « **معاشرت** » عاملِ « **شناخت** » است،

پس چرا افرادی که

قبل از ازدواج معاشرت بیشتری دارند

قهر و « **طلاق** » آنها

خیلی « **بیشتر** » از ازدواجهایِ دیگر است؟

هفتمین عامل اختلال در ازدواج فرزندان:

دخالتِ والدین با عادات، رسوم و سختگیری.

چرا والدین در کار فرزندان **دخالت** می کنند؟

چون « **نگران** » آینده فرزندان شان هستند.

نکته سوم:



ریشه
نگرانی‌ها؟



برای یافتنِ

« ریشهٔ اصلی **نگرانی** والدین و جوانان »

باید به این پرسش بپردازیم

و همه به آن پاسخ دهیم که:

میزان « **دخالت** » موارد زیر در زندگی ما چقدر است؟

۱- **وراثت**؟

۲- **محیط**؟

۳- **والدین**؟

۴- **همسر**؟

۵- **رفیق**؟

با اینکه زمان و محل و چگونگی

« تولد و مرگ » انسان

و « خصوصیات جسمی » او

در « اختیار » خود او نیست،

اما از منظر «قرآن»،

انسان در «نحوه زندگی» خود،

قطعاً «مختار» است.

و بر خلافِ تلقینِ عواملِ استکبار،

« وراثت، محیط، والدین »

و « رفیق، همسر و بستگان و دشمنان »،

انسان را به کاری « مجبور » نمی کنند.

در حالی که امروز با إلقاءِ عواملِ استکبار،

متأسفانه « **اکثر مردم** جهان »،

در مسائل خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی،

خود را « **مجبور** » می‌پندارند و می‌گویند:

والدینم مرا « **مجبور** » کردند طلاق بدم، بگیرم،

همسرم، یا ... مرا « **مجبور** » کرد دزدی کنم،

صاحبکارم یا ... مرا « **مجبور** » کرد دروغ بگویم،

فشارِ زندگی مرا « **مجبور** » کرد سیگاری بشم،

روی اعصاب بود خودش « **وادارم** » کرد بزَنَمش.

فردی که خود را « **مجبور** » می‌پندارد،

در واقع « **زندگی** » نمی‌کند،

و از تلاش‌های روزمرهٔ خودش،

و از ازدواجش هرگز « **لذت** » نمی‌برد.

پس هر «**معتادی**»،

علاوه بر «**مُجرم**» بودن،

«**بیمار**» هم هست.

لذا متهمین و معتادین را در تمام کشورها،

و در « دنیا » و « آخرت »،

به « تنهایی »

حسابرسی و « محاکمه » می کنند:

وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا

(مريم/٩٥)

نمونه آیاتی که «**اختیار**» را اثبات
و «**دخالۃ**» دیگران را نفی می کند:



كُلُّ نَفْسٍ
بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ

(مدثر/ ٣٨)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ

وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ...

(فصلت/٤٦)

إِنْ أَحْسَنْتُمْ

أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ

وَإِنْ أَسَاءْتُمْ فَلَهَا (إِسْرَاءُ/٧)

وَاتَّقُوا يَوْمًا

لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا

(بقره/۱۲۳)

... وَ اخْشَوْا يَوْمًا

لَا يَخْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ

وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا

(لقمان / ٣٣)

وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

(أنعام/١٦٤)

پس زن و شوهر، باعثِ

« **بدبختی** یا **خوشبختی** »

یکدیگر **نمی** شنوند.

و بر خلاف إلقاء بعضی ها ???

« کارنامه و سرنوشت » زن و شوهر

به هم گره نمی خورد.

پس: « کارنامه و سرنوشت »

و « خوشبختی و بدبختی »

و « بهشت و جهنم » هر فردی

از منظر قرآن،

« فقط » تابع

« نیت و گفتار و رفتار و اخلاق »

و « مواضع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ... » خود اوست

لذا در قیامت به هر فردی می‌گویند:

افْرَأْ كِتَابَكَ

كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (اسراء/١١٤)

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ

تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا

وَتُؤْفَى كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

(نحل/١١١)

آیا «شیطان»

افراد را «مجبور» می‌کند؟

قَالَ : رَبِّ ؛ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَزِيَنَّ^{١٣} لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (٣٩)

.....

إِنْ^{١٣} عِبَادِي

لَيْسَ لَكَ^{١٣} عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ^{١٣}

إِلَّا^{١٣} مَنْ اتَّبَعَكَ^{١٣} مِنَ الْغَاوِينَ (حجر/٤٢)

آیا « خداوند »،

افراد را « مجبور » می کند؟

« والدین، همسر، دوستان، معلمین، مسئولین، مبلغین ... و ابلیس »

با اینکه « **می خواهند** **تأثیر** » بگذارند اما « **نمی توانند** »

در حالی که « **خالق** » ما می تواند مؤثر باشد

اما به خاطر « **مهلتی** » که به انسان داده

(تا خود انسان نخواهد) در کار او « **دخالت نمی کند** ».

پس لزوم
کفویت
در چیست؟



طبق آیه ۲۲۱ سوره بقره،

إِحْرَازٍ « **کفویت** »

« تکلیفی » فقط برای تحویلِ « **امانت** » است

و « **فردای** » زوج را

اصلاً « **تضمین** و **گارانتی** » نمی‌کند:

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ **حَتَّى** يُؤْمِنَ
وَلَأَمَّهُ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ
وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ **حَتَّى** يُؤْمِنُوا
وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ

أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ
وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ

وَالْمَغْفِرَةَ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (بقره/ ۲۲۱)

بنابر این هر « **نکاحی** »،

یکی از این « **چهار** » فرجام را دارد:

۱- فقط « **زن** » ، به « **کمال** » می‌رسد.

۲- فقط « **شوهر** » به « **کمال** » می‌رسد.

۳- « هر دو با هم »، « **زیانکار** » می‌شوند.

۴- « هر دو با هم » به « **کمال** » می‌رسند.

نتیجہ : « »

پس والدین عاقل و مؤمن و مأنوس با قرآن،

باید **اولاً:** نگران نباشند (زیرا نگرانی، نشانه مؤمن بودن نیست).

و مطمئن باشند که هیچ « عروس و دامادی »

« امکان ندارد » بتواند فرزندِ مختار آنها را

« منحرف » و یا به او « **ظلم** » کند.

ثانیا: والدین عاقل و مؤمن (خصوصاً مادرانِ محترم)،

به خاطر سکوتِ قرآن و احادیث دربارهٔ فرزندان،

باید از هرگونه «**دخالت**» و «**تحمیل**»

«عادات و رسوم و نظرات و آرزوهای»

«خود و سایر بستگان» به فرزندان پرهیزند.

ثالثاً: « والدین » باید به دستورِ قرآن بکوشند،

« **عقلانیت**، **بلوغ**، **ایمان** و **امید** » فرزندانِشان را

« تقویت » کنند و از « ظاهربینی » برهانند

و « هنرمندانه »، « تجربیاتِ منطقی » خود را

با « **تکریم** » عزیزانشان به آنها منتقل کنند.



روش انتخاب و ازدواج «پیشنهادی» ما:

مرحله اول: آماده شدن **جوان** برای: ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸

مرحله دوم: آماده شدن **خانواده** برای: ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸

مرحله سوم: آمادگی برای **شناسایی، کفویت، انتخاب.**

مرحله چهارم: آمادگی برای **خواستگاری و دوران عقد.**

مرحله پنجم: آمادگی برای **فردای ازدواج.**

متأسفانه غالبِ «والدین و جوانان»،

به مرحلهٔ «اوّل، دوّم و چهارم و پنجم»

کمترین توجهی ندارند

و فقط «انتخابِ مورد» برایشان مهم است،

لذا خیلی زود با «بُن‌بست» مواجه می‌شوند.

وقتی « **جوان** » برای ... وضع جدید ... آماده نیست،
و وقتی « **والدین** » هم برای ... وضع جدید ... آماده نیستند،
قطعا آنها « ملاک‌ها و **معیارهای** » انتخاب را نمی‌شناسند،
و ازدواج فرزندشان یا به « **موقع** و **اسلامی** » انجام نمی‌گیرد،
یا والدین و فرزند از مدیریت عاقلانه دورانِ « **عقد** » غافل می‌شوند،
و در نتیجه آن پیوندِ پُر هزینه، بسیار « **آسیب‌پذیر** » خواهد بود.



آن روز که یکدیگر را یافتیم،
یافتنمان هنر نبود.

هنر این است که یکدیگر را گم نکنیم...

گر به دولت بررسی، مَسْت نگردي، مَردي
گر به ذُلّت بررسی، پَسْت نگردي، مَردي

اهلِ عالم همه بازیچهٔ دستِ هَوَسَـنـد
گر تو بازیچه این دست نگردي، مَردي.

خدایا؛

موجباتِ « ازدواجِ عاقلانه »

و « زندگی مومنانه »

و « زندگی عاشقانه » را

برای تمام جوانان « با اراده و مؤمن » فراهم فرما.

ارسلنا رسلنا

اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَّوْا تُكَ عَلَيْهِ
وَعَلَىٰ اَبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا
وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيْلًا وَعَيْنًا حَتّٰى تُسْكِنَهُ
اَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ
فِيهَا طَوِيْلًا.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

